

دریافت: ۱۳۹۹/۵/۲۲
تایید: ۱۳۹۹/۱۲/۲۵

ادبیت هاشمیات کمیت اسدی و حجازیات شریف رضی در سنجه معادله بوزیمان

احمد امیدوار*
بهمن هادیلو**
مهدی داوری دولت آبادی***

چکیده:

ادبی بودن متون از جمله مسائل بحث برانگیز است و دانشمندان همواره در صدد معرفی عوامل آن بودند. سبک‌شناسی نیز بر اساس بررسی فرم و ساختار آثار، به این مسأله پرداخته است. بوزیمان، دانشمندی آلمانی، در حوزه سبک‌شناسی آماری، معادله‌ای را برای کشف ادبی بودن آثار ابداع کرد که با مقایسه نسبت افعال به صفات VAR (ن. ف. ص)، سطح ادبی بودن متون را می‌سنجد. مقاله حاضر با این معادله و با روشی تحلیلی-آماری، به بررسی ادبی بودن هاشمیات کمیت اسدی و حجازیات شریف رضی پرداخته است و به این سوال پاسخ می‌دهد که سطح ادبی بودن کدام یک بالاتر است و عوامل مؤثر بر آن چیست؟ این مسأله تاکنون روشمند و با پشتوانه‌های علمی، سنجیده و با یکدیگر مقایسه نشده است و اصولاً پژوهش‌های سبک‌شناسانه در این زمینه به ندرت صورت گرفته است. در پایان نتیجه گرفته شد که سطح احساس حجازیات چندین برابر هاشمیات است و همچنین ادبی‌تر است. عوامل مؤثر بر این اختلاف، عبارتند از: کهنولت سن کمیت و جوانی رضی، زمان سرودن این آثار، بر افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) حجازیات نسبت به هاشمیات. همچنین موضوع هاشمیات، سیاست است که محل تاخت و تاز عقل است و موضوع حجازیات، غزل است که محل تاخت و تاز احساس می‌باشد. این مسأله، سطح ادبی بودن آن آثار را نشان می‌دهد. محیط اجتماعی و سیاسی هاشمیات، عامل دیگری است که منجر به ایجاد سبک شعری احتجاجی و جدلی شده است که با عقل نیز سروکار دارد و محیط عاشقانه و خیال‌انگیز حجازیات، منجر به ایجاد سبک غنایی و خیالی شده است که با احساس و عاطفه ارتباط بیشتری دارد؛ بنابراین محیط و سبک شعری نیز در افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) حجازیات نسبت به هاشمیات اثرگذار بوده است.

کلید واژه‌ها: معادله بوزیمان، کمیت اسدی، شریف رضی، هاشمیات، حجازیات.

omidvar@quran.ac.ir

hadilo@quran.ac.ir

m.davari@quran.ac.ir

* استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، (نویسنده مسئول)

** استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم

*** استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم

۱. مقدمه:

یکی از موارد چالش برانگیز، مسأله چیستی و ماهیت ادبی بودن متون است. دانشمندان از دیرباز در این خصوص قلم رانده و تلاش کردند تا ویژگی‌های کلام ادبی را از کلام عادی متمایز کنند و عامل ادبی بودن متون را توضیح دهند. قدمت این مسأله، به زمان ارسطو باز می‌گردد. در این میان هرکدام از دانشمندان، ادبی بودن متون را به عوامل مختلفی از جمله فرستنده کلام، گیرنده کلام و توانایی‌های نهفته در خود کلام، استناد دادند. سبک‌شناسی از جمله علومی است که به میزان قابل توجهی، به نقد معاصر پرداخته و در صدد پاسخگویی به میزان ادبی بودن متون هستند. دانشمندان سبک‌شناسی از جمله: فردیناند دوسوسور، چارلز بالی و ... نوع خاصی از تعامل با متون ادبی را ابداع کردند و به جای بررسی عوامل خارجی، به بررسی عوامل درونی آثار پرداختند. در این بین، انقلابی در نقد ادبی پدید آمد که ساختارگرایان روسی از جمله شک洛夫سکی، از سردمداران آن بودند (عزام، ۲۰۰۳: ۱۵۴). به دنبال آن، حوزه‌های مختلف سبک‌شناسی شکل گرفت که عبارتند از: سبک‌شناسی‌های آوایی، کاربردی، بیانی، دستوری و آماری (السقبلی، ۲۰۰۵: ۴۷). سبک‌شناسی آماری با روشی میان رشته‌ای و با بهره‌گیری از علم آمار، نتایج خویش را در تحلیل متون ادبی، به میزان قابل توجهی منظم و دقیق کرده است. این گرایش نیز به دنبال کشف ادبی بودن متون است و برای نخستین بار ا. بوزیمان A. Busemann، دانشمند آلمانی، روش آماری را پیشنهاد کرد که با استفاده از آن می‌توان میزان ادبی بودن متنی را شناخت. این معادله به نام «معادله بوزیمان» مشهور شده است و در متونی از ادبیات آلمانی اجرا شد (Antosch, n.d: ۵۷). سعد عبدالعزیز مصلوح، این معادله را در زبان عربی، بومی و اجرا کرد. این مقاله نیز تلاش دارد تا ضمن معرفی این معادله و شرایط اجرایش، آن را روی دو شاهکار شعری ادبیات عرب، یعنی هاشمیات کمیت اسدی و حجازیات شریف رضی به کار ببندد و به قضاوت میان ادبی بودن آنها و تحلیل سبکی با تکیه بر علم آمار بپردازد؛ چرا که تاکنون قضاوت‌های زیادی درباره مسائل احساسی و عاطفی این آثار صورت گرفته است؛ ولی این قضاوت‌ها بر پایه نقدهای ذاتی و ذوقی استوار است. پژوهش پیش‌روی با روشی تحلیلی - آماری و با رویکردی سبک‌شناسانه صورت گرفته است و برای بیان و درک بهتر نتایج داده‌ها، از نمودار استفاده شده است و در پایان، اعداد، نمودارها و عوامل مؤثر بر کاهش و افزایش آن تحلیل شده است.

۱-۱ پیشینه پژوهش:

در خصوص اشعار کمیت اسدی و شریف رضی، پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است که ذکر آنها در این مجال کوتاه، نمی‌گنجد. معادله بوزیمان نیز تاکنون روی برخی از متون اجرا شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- پایان‌نامه شناخت و مقایسه ادبی بودن سبک‌ها، بر پایه معادله بوزیمان (پژوهشی عملی بر رمان‌های نجیب محفوظ و عبدالرحمن منیف)، استاد راهنما: حامد صدقی، استاد مشاور: سیدعدنان اشکوری، دانشجو: مهسا عبدالمهی، سال انتشار: ۱۳۹۲، دانشگاه خوارزمی. نتیجه پژوهش گویای آن است که بر اساس معادله بوزیمان، سبک رمان‌های عبدالرحمان منیف، از نجیب محفوظ ادبی‌تر است و از این لحاظ برتری دارد.

۲- پایان‌نامه بررسی ادبی بودن سبک‌ها، بر اساس معادله بوزیمان (مطالعه موردی: دیوان شظایا و رماد نازک الملائکه و دیوان محمد مهدی الجواهری)؛ جلد ۱، استاد راهنما: صغری فلاحی، استاد مشاور: زهره ناعمی، دانشجو: احد شیرزادی سال انتشار ۱۳۹۴، دانشگاه خوارزمی. نتیجه پژوهش که با انتخاب و بررسی بیست قصیده از این دو شاعر به دست آمده، گویای آن است که سبک شعری محمد مهدی الجواهری نسبت به نازک الملائکه ادبی‌تر است.

۳- مقاله تحلیل و مقایسه سبک شخصیت‌پردازی رمان‌های عصفور من الشرق و الشحاذ (بر اساس نظریه آماری بوزیمان)؛ نویسندگان: مجتبی بهروزی و علی اصغر حبیبی، مجله زبان و ادبیات عربی، بهار و تابستان، ۱۳۹۷، شماره ۱۸، صفحات ۱-۳۶. نتیجه پژوهش گویای آن است که سبک شخصیت‌پردازی نجیب محفوظ در این اثر نسبت به توفیق حکیم، ادبی‌تر است و دلیل آن سبک نثر او است که گاهی شبیه شعر می‌شود و همچنین زاویه دید نمایشی بیشتری دارد.

۴- مقاله سبک‌شناسی مقامات همدانی و حریری، بر اساس سبک‌شناسی آماری بوزیمان؛ نویسندگان: حامد صدقی و مرتضی زارع برمی، فنون ادبی، سال هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)، صفحات: ۱-۱۴. نتیجه پژوهش گویای آن است که مقامات همدانی در مقایسه با حریری ادبی‌تر است و علت آن را عنصر گفتگو و شگردهای روایی می‌دانند.

۵- مقاله قیاس أسلوب الشعر في أنماطه الثلاثة: العمودي والشعر الحر وقصيدة النثر علي أساس معادلة بوزیمان (دراسة مقارنة لنماذج من الشعر العمودي والشعر الحر للسياح و قصيدة النثر للهاغوط)، نویسندگان: حامد صدقی و حسین روستایی، مجله الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها، فصلية محكمة، العدد ۳۴، ربيع ۱۳۹۴

ه.ش، ۱-۲۰۱۵ م؛ صص ۱-۱۸. نتیجه پژوهش گویای آن است که سبک شعر آزاد نسبت به دو مورد دیگر ادبی تر است و بعد از آن شعر عمودی و در نهایت قصیده، نثر قرار می‌گیرد و دلیل آن رارهایی از قید تعداد تفعله و عدم التزام به قافیه می‌داند. ۶- مقاله أسلوبیة بوزیان الإحصائية ومدى إمكانية تطبيقها على صحة نسبة الخطبة الشقشقية إلى الإمام علی (ع)؛ نویسندگان: علی حاجی خانی و امیر فرهنگ نیا، مجلة اللغة العربية و آدابها، مقاله ۴، دوره ۱۲، شماره ۳، زمستان ۲۰۱۶، صفحات ۴۷۵-۵۰۰. نویسندگان این مقاله از معادله بوزیان به دو صورت استفاده کردند: نخست سنجش ادبی بودن خطبه شقشقیه و برخی خطبه‌های دیگر نهج البلاغه، دوم مقایسه سطح ادبی بودن آنها با یکدیگر. نتیجه پژوهش گویای آن است که خطبه شقشقیه، سبکی شبیه مابقی خطبه‌های امام علی علیه السلام دارد. بنابراین گوینده همه این خطبه‌ها، یک فرد است و انتساب آن به امیرالمؤمنین علیه السلام صحیح می‌باشد.

تاکنون این معادله روی دو شاهکار ادبی شاعران شیعی چون حجازیات و هاشمیات اجرا نشده است. همچنین این دو اثر ادبی تاکنون با یکدیگر مقایسه نشده‌اند. از طرفی دیگر پژوهش‌های مذکور، فقط سن و جنسیت مؤلف را بررسی کرده است و مقاله حاضر برای نخستین بار به تأثیر محیط اجتماعی نیز پرداخته است. همچنین از تأثیر نوع شعری (خطابی، غنایی، تعلیمی و ...) بر ادبی بودن آثار، غفلت ورزیدند که پژوهش کنونی این عامل را نیز مورد بررسی قرار داده است.

۲-۱ اهمیت موضوع:

برای اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱- مورخان به دلیل گرایش‌های مذهبی و ضد علوی، نسبت به شعر کمیت اسدی بسیار نامهربان بودند و با آن غیرمنصفانه برخورد کردند. به عنوان نمونه، یاقوت حموی در معجم البلدان از خرد و کلان، سخن به میان می‌آورد؛ اما کوچکترین یادی از کمیت اسدی نمی‌کند. این مسأله، پرداختن به اشعار وی را امری ضروری می‌سازد.

۲- پژوهشگران بیشتر به بررسی محتوا و درونمایه این دو اثر ادبی پرداختند. این پژوهش نگاهی دقیق‌تر درخصوص سبک شعری این دو شاهکار مورد توجه شیعیان، به مخاطب عرضه می‌کند.

۳- تاکنون سطح ادبی این دو شاهکار سنجیده نشده است و از طرفی دیگر نیز هرگز با یکدیگر مقایسه نشده‌اند.

۴- همواره در بررسی این دو نمونه شعری و تکیه بر نظرات علمی و پشتوانه آماری،

اجتناب از سیطره ذوق و سلیقه شخصی، ضروری و درخور توجه است.

بنابراین هدف این پژوهش پاسخ به این سؤال‌هاست:

۱- سبک کدام یک از این دو اثر شعری براساس معادله بوزیمان ادبی تراست؟

۲- چه عواملی بر کاهش و افزایش این ادبی بودن، اثر گذاشته است؟

از این رو تمام این دو اثر شعری انتخاب و پس از اجرای معادله یادشده، به مقایسه و قضاوت میان آنها پرداخته شد.

۲. مفهوم‌شناسی:

۱-۲ ادبی بودن متون:

مسئله‌ای که همواره ذهن پژوهشگران را به خود مشغول کرده است این است که عناصر یک متن ادبی چیست؟ دلیل ادبی بودن آنها در چه چیزی نهفته است؟ چه تفاوتی میان متن ادبی و علمی وجود دارد؟ بحث و پژوهش در این خصوص از دیرباز مورد توجه بوده است و شاید بتوان قدمت آن را از زمان ارسطو دانست (شیبانیان، ۱۳۹۷: ۱۰) و نظریات مختلفی نیز در این خصوص بیان شده است.

برخی دانشمندان باور دارند که تفاوت و ایجاد تمایز میان زبان ادبیات و دیگر حوزه‌ها دشوار است؛ برای نمونه اگر فهرستی از الفاظ و ساختارهای کلامی شعری همچون حافظ و شکسپیر تنظیم کنیم و بخواهیم آنها را با سرشت ادبی یکسانی توصیف کنیم، کار دشواری است؛ بنابراین چیزی که در زبان به‌طور خاص، گویای ذات متن ادبی باشد، وجود ندارد و مفهوم زبان ادبی، توهم و افسانه است (Simpson, 1997: 7). در نظر ایشان، ادبی بودن متن، سرشت ذاتی آن نیست، بلکه کیفیتی است که مؤلف به زبان می‌دهد؛ بنابراین ایشان راز ادبی بودن متن را در فرستنده کلام جستجو می‌کنند. عده‌ای نیز بحث ادبی بودن متن را در گرو مخاطب می‌دانند. بدین شکل که اگر خواننده‌ای از خوانش اثر ادبی بهره روحی و زیباشناختی برد، آن اثر فقط برای آن خواننده و مخاطب، ادبی محسوب می‌شود (Molinie, 1998: 133-134) بدین ترتیب ایشان معیار و میزان ادبی بودن متن را در مخاطب کلام جستجو می‌کنند و هرچه بهره روحی مخاطب بیشتر باشد؛ در نتیجه متن ادبی‌تر است. البته می‌توان بر این نظریه، نقدهایی را وارد کرد که به دلیل ضیق مجال از آن اجتناب می‌شود.

عده‌ای دیگر از دانشمندان به خود متن، بررسی عناصر درونی و بافت زبانی آن توجه داشتند. دانشمندان قدیمی مسلمان نیز گاهی ادبی بودن متن را در گرو فرم، ساختار و عوامل درونی برشمردند و برای متن ادبی، شروطی را برشمردند. از جمله آنها تعریفی

است که از اصطلاح شعر ارائه دادند که ناظر بر عناصر درونی تشکیل دهنده ادبی بودن متن است. به عنوان نمونه قدامة بن جعفر، شعر را کلامی موزون و مقفی می‌داند که بر معنایی دلالت دارد (قدامة بن جعفر، د.ت: ۶۴). به این ترتیب وی عناصر تشکیل دهنده ادبی بودن متن شعری را وزن، قافیه و دلالت بر معنا می‌داند و بر ساختار و فرم متن تأکید بیشتری دارد. یا ابن رشیق قیروانی، بنای شکل‌گیری متن ادبی به شکل شعر را چهار چیز می‌داند: وزن، لفظ، معنی و قافیه (القیروانی، ۱۹۷۲: ۱/۱۱۹). در این تعریف نیز بیشتر تمرکز بر عوامل درونی و ساختاری متن است. عبدالقاهر جرجانی نیز دلیل ادبی بودن متن قرآن کریم و اعجاز آن را گزینش و چینش الفاظ متناسب با مقام برمی‌شمارد و در این خصوص، نظریه مشهور خویش به نام نظریه نظم را ارائه می‌دهد (الجرجانی، ۲۰۰۴: ۵۵). به این ترتیب او راز ادبی بودن متن را در گرو گزینش، چینش کلمات و ارتباط آنها با یکدیگر در بافت متن می‌داند. همچنین جاحظ، شعر را صنعت و نوعی بافتن و تصویر بردازی می‌داند (الجاحظ، ۱۹۶۸: ۱۳۱/۳، ۱۳۲). او و برخی دیگر از دانشمندان مانند ابن سلام، از اصطلاح صنعت شعر استفاده کرده‌اند (ابن سلام، ۱۹۸۴: ۵/۱). این اصطلاح نیز بسیار شبیه گفته‌های ساختارگرایان روسی از جمله شک洛夫سکی است که هنر را به مثابه فن و صنعت می‌داند و مقاله‌ای نیز تحت همین عنوان نگاشته است.

دانشمندان مسلمان نیز از دیرباز به مسأله ادبی بودن متن بر پایه فرم و ساختار، توجه داشتند؛ ولی سبک‌شناسان و ساختارگرایان، نخستین بار این مسأله را به عنوان نظریه و روش نقدی مطرح کردند. فرمالیست‌های روسی همواره تلاش کردند تا میان زبان ادبی و ارتباطی، تمایز قائل شوند. حلقه زبان‌شناسی مسکو، از ۱۹۱۵ م زیر نظر یاکوبسون و انجمن مطالعات زبان شعری زیر نظر شک洛夫سکی، روش‌های زبان‌شناسی را برای بررسی علمی ادبیات به کار بستند و با طرح پرسش، بر ادبی بودن و تمایز زبان ادبیات و شعر با زبان روزمره اصرار ورزیدند (Bennett, 2003: 15-16). به این ترتیب برای کشف ادبیات متن، بر عناصر درون‌متنی و ویژگی‌های نهفته در عبارات و الفاظ اهتمام داشتند.

البته به نظر می‌رسد که هر سه نظریه قابل تلفیق باشند؛ چرا که ادبی بودن کیفیتی است که مؤلف از طریق گزینش و چینش کلام برای تأثیر و بهره روحی مخاطب به وجود می‌آورد.

از پدیده‌های زبانی که علم روانشناسی نیز آن را تایید کرده است این است که در متون ادبی و احساسی، کاربرد افعال نسبت به صفات فزونی می‌یابد. بر همین اساس،

بوزیمان معادله‌ای را مطرح می‌کند که به نام وی شهرت یافته است. البته هرچند این پدیده زبانی نمی‌تواند شرط کافی یا تنها شرط ادبی بودن متون باشد؛ ولی به هر حال یکی از پدیده‌های زبانی است که بیانگر ادبی بودن و احساس بیشتر در متن است. همان‌گونه که می‌دانیم، تجلی عاطفه و احساس از جمله وجوه تمایز سبک ادبی از سبک علمی است. در ادامه به معرفی این معادله می‌پردازیم:

۲-۲ معادله بوزیمان:

معادله بوزیمان در چهارچوب زبان‌شناسی و برپایه روانشناسی استوار است تا سطح عاطفه و احساس متون را بسنجد. این معادله در برخی ادبیات دنیا، اجرا شده است. فردریک آنتوش در پژوهشی به نام «تشخیص سبک ادبی با به‌کارگیری نسبت افعال به صفات» ذکر می‌کند که آ. بوزیمان، دانشمند آلمانی، در ۱۹۲۵ م شیوه‌ای را کشف کرده که رابطه دقیق بین پدیده‌های زبانی فعل و صفت را در متون ادبی بررسی می‌کند (Antosh, n.d: ۵۷).

بوزیمان باور داشت که با مقایسه نسبت دو پدیده زبانی می‌توان متون ادبی و میزان ادبی بودن آن‌ها را شناخت:

۱- تعبیر توسط حدث Active Aspect.

۲- تعبیر با وصف Qualitative Aspect.

مقصود او از واژگان دسته اول، آنهایی اند که روی دادن و انجام کاری را بیان می‌کنند و دسته دوم، واژگانی می‌باشد که ویژگی چیزی را به شیوه کمی یا کیفی شرح می‌دهند (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۴). برای شناخت متون ادبی از دیگر متون، واژگان هر دسته شمرده و سپس واژگان دسته اول بر دسته دوم تقسیم می‌شوند. خارج قسمت این تقسیم، عددی خواهد بود که با توجه به تعداد واژگان هر دسته کم و زیاد می‌شود (همانجا).

بوزیمان با بررسی داستان‌هایی که کودکان می‌گفتند، پی برد که در کلام آنها، واژگان بیانگر حدث و انجام کار، بیشتر از واژگانی است که بیانگر وصف و ویژگی هستند و نتیجه گرفت که در کلام انسان با احساس، نسبت واژگان دسته اول به دسته دوم بیشتر است و برعکس در کلام انسان‌های آرام، نسبت واژگان دسته اول به دوم کمتر است (همو: ۷۵).

۳-۲ آسان‌سازی معادله:

از آنجایی که انتساب واژگان به هر یک از این دو دسته، به درستی و با دقت صورت

پذیرد و پژوهشگران در این مسیر به اشتباه نیفتند، دانشمندان بدون آنکه اصل معادله را تغییر دهند، معیاری منطقی را برای آسان سازی آن وضع کردند. دو روانشناس آلمانی به نام‌های و. نویباور V. Neubauer و ا. اسشیلتزمن اُف اینسبروک A. Schlitzman. Insbruck به این امر پرداخته و به جای قضایای حدت «(statements Active)»، تعداد افعال «(verbs of Number)» و به جای قضایای وصف، تعداد صفت‌ها «(Number Adjectives of)» را به کار بردند (همان: ۷۷). همچنین فردریک آنتوش در چارچوب پیشنهادات آن دو، افعال قیدی را برمی‌شمارد. بدین شکل که همه افعال را در این معادله قابل محاسبه و شمردن دانست به جز افعال کمکی. (Antosch, ۵۷: d.n) به این شکل، انجام معادله در زبان آلمانی آسان شد و معادله بوزیان شکل زیر را به خود گرفت:

$$\frac{\text{Number } \oint \text{ verbs}}{\text{Number } \oint \text{ Adjectives}} = \text{VAR}(\text{verb} - \text{Adjective Ratio})$$

تعداد افعال
نسبت فعل به صفت =
تعداد صفات

این نسبت در زبان انگلیسی به اختصار (VAR) نامیده می‌شود و این کلمه اختصاری، در برگزیده حروف اول واژگان عبارت انگلیسی Ratio Adjective-Verb می‌باشد (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۷).

۴-۲ بومی سازی معادله در زبان عربی:

دکتر سعد مصلوح که قصد اجرای معادله را روی متون عربی داشت، دریافت که در زبان عربی واژگانی مانند اسم فاعل، اسم مفعول و صفت مشبه و ... وجود دارند که در عین حال معنای وصفی و گاهی هم مانند فعل عمل می‌کنند. علاوه بر آن در زبان عربی افعالی مانند افعال ناقصه، مقاربه و شروع، به وضوح بر حدت دلالت نمی‌کنند (همان: ۷۶) یا برخی از واژگان مانند مصدر، همچون فعل بر حدت دلالت می‌کنند و گاهی نیز در نقش خود عمل می‌کنند. بنابراین در صدد بومی سازی این معادله بر اساس ویژگی‌های زبان عربی برآمد و بدون تغییر اصول معادله، معیارهای دقیقی را برای اجرای آن در زبان عربی وضع کرد. او مقصود از افعال را تمامی فعل‌ها به جز افعال کمکی مانند کان و اخواتش، افعال مقاربه و شروع می‌داند و مقصود از صفات را ترکیب (موصوف + صفت)

در نظر می‌گیرد؛ البته مقصود وی از صفت، صفت مفرد است نه جمله یا شبه جمله‌هایی که در جایگاه صفت قرار می‌گیرند. بنابراین شروط وی همراه اضافه کردن برخی موارد دیگر در فعل و صفت عبارتند از:

۱- جمله‌ها و شبه جمله‌هایی (متعلق به محذوف) که صفت قرار می‌گیرند؛ ولی صفت شمرده نمی‌شوند.

۲- اسم‌هایی که بعد از ایتها و ایتها، به عنوان صفت ذکر می‌شوند؛ ولی صفت شمرده نمی‌شود؛ زیرا مطابق نظر علمای نحو، مقصود این کلمات نداست و ایتها و ایتها فقط وسیله‌ای برای شکل‌گیری ساختار ندا می‌باشند.

۳- صفت‌های معطوف به صفت، خودشان صفت شمرده می‌شوند.

۴- اسم‌های جامد مؤول به مشتق، مانند الذی، التی و ... که اگر در نقش صفت قرار بگیرند در زمره صفات شمرده می‌شوند.

۵- افعال ناقصه، مقاربه و شروع، فعل شمرده نمی‌شوند (همان: ۷۸-۷۹)؛ زیرا این افعال طبق نظر بیشتر نحویان اگرچه بر زمان دلالت دارند، ولی بر حدث امری دلالت نمی‌کنند (السامرائی، ۱۴۲۰: ۱/۲۰۸). البته نظر دانشمندان در این خصوص متفاوت است و به همان نظر وضع شده توسط اکثر نحویان و اصولی مانند سعد مصلوح اکتفا می‌کنیم و این افعال را از دایره شمارش خارج می‌کنیم. کان و اخواتش، زمانی در دایره شمارش قرار می‌گیرند که فعل تام باشند.

۱- افعال جامد در دایره شمارش قرار نمی‌گیرند؛ مانند: نعم و بیس.

۲- اسم‌های فعل را نیز در شمارش قرار می‌دهیم؛ مانند: هیئا، تعال و ...؛ زیرا هم بر حدث و هم بر زمان دلالت دارند که شرط شمارش افعال است.

دکتر سعد مصلوح، اصطلاح (VAR) را در زبان عربی به اختصار ن ف ص می‌نامد که شامل ن: نسبت، ف: فعل، ص: صفت می‌باشد و بیانگر نسبت فعل به صفت است (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۷).

۳- نمونه‌های پژوهش:

در این پژوهش این شیوه آماری را روی دو نمونه مهم شعری یعنی هاشمیات کمیت اسدی و حجازیات شریف رضی به اجرا درآوردیم. تمام این اشعار به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است. نکته حائز اهمیت این است که این دو نمونه پژوهش، تقریباً تعداد اشعار مشابهی دارند (هاشمیات ۵۶۳ بیت و حجازیات ۵۵۸ بیت) و این امر بر دقت معادله اثر مثبت دارد. در ادامه به معرفی این نمونه‌های پژوهش می‌پردازیم:

۳-۱ هاشمیات کمیت اسدی:

کمیت بن زید اسدی ملقب به ابوالمستهل (۶۰-۱۲۶ق) در کوفه متولد شد (الإصبهانی، ۲۰۰۲: ۲۹۸/۱۷). مشهورترین اشعارش، هاشمیات است که بالغ بر ۵۶۳ بیت دارد. بوریاش احمد بن ابراهیم القیسی هاشمیات او را در کتابی تحت عنوان هاشمیات الکمیت ابن زید الأسدی، گردآوری و شرح کرده است (القیسی، ۱۹۸۶: ۱۱-۲۰۵). این اشعار در فضای اختناق و بیداد امویان سروده شد.

این اثر از لحاظ محتوا در بردارنده مفاهیمی چون مدح اهل بیت علیهم السلام، هجو امویان، خلافت مسلمانان پس از پیامبر (ص)، مسأله غدیر، فدک و ... است (سلوم، ۱۹۶۹: ۶۷/۱) و در واقع دعوتی است به جهاد سیاسی و اجتماعی (زراقت، ۲۰۰۶: ۲۵۸). این اثر از لحاظ زبانی، لحنی استدلالی دارد که برای اقناع خصم و تبیین حقایق تلاش می‌کند (عباس‌زاده: ۱۳۹۸: ۱۳۹). این اثر سبکی کوبنده و واقع‌گرا دارد که آن را به سخنرانی شبیه کرده است (جاحظ ۱۹۲۶: ۵۲/۱). کمیت در هاشمیات برخلاف برخی اشعار که اهداف خود را در یک یا چند بیت بیان می‌کنند، با قصیده به مجادله می‌پردازد تا مخاطب را قانع کند (زراقت، ۲۰۰۶: ۲۴۵). از طرفی دیگر، این اشعار سرشار از فواید علمی، تاریخی، زبانی و نوادری است که مورد اهتمام فرهنگ نویسان، نسب شناسان و علمای زبان و نحو قرار گرفته است (الجتان، ۱۹۹۴: ۱۳۱). بنابراین هاشمیات دارای سبکی خطابی و احتجاجی است که در فضای خفقان اموی تلاش دارد تا از حق اهل بیت علیهم السلام دفاع کند و با مبارزه سیاسی، مردم را برای قیام علیه حاکمان ستمگر آماده سازد.

۳-۲ حجازیات شریف رضی:

ابوالحسن محمد ابن طاهر ذو مناقب مشهور به شریف رضی (۳۵۹-۴۰۶ق)، در بغداد به دنیا آمد و نسبش به امام موسی کاظم علیهما السلام می‌رسد (الثعالبی، ۱۹۷۳: ۱۳۱/۳؛ ابن خلکان، بلاتا، ۴/۴۸). او دیوان شعری دارد که گاهی در چهار مجلد و گاهی نیز در دو مجلد به چاپ رسیده است. حجازیات، حدود ۴۰ قصیده و قطعه شعری است و از لحاظ محتوا، عشق و جوانی را در بردارد (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۸۳۵) و با حجاز به صورت مستقیم یا به صورت اشاره در ارتباط است و بیانگر خاطرات عاشقانه‌ای است که او در ضمن سفرهای زیاد به سرزمین حجاز برای انجام حج، داشته است (الشیبی، ۱۹۸۵: ۲۵). وجه تسمیه اشعار او، تکرار اسم حجاز و اسامی مکانهای اطراف آن است (سرگین، ۱۴۰۶: ۵۶۶/۲). این اشعار از لحاظ زبانی، رنگ و بوی بدوی و طبیعت عربی و الفاظ و شیوه بادیه

نشینان را دارد. اشعاری با الفاظ روان، شیوا و گوشنواز که دل شنونده را سخت شیفته خود می‌سازد و تشنگی او را فرو می‌نشاند (امینی، ۱۳۶۶: ۴۱). حجازیات نوعی از غزل عذری و عقیف و از لحاظ سبک شعری، شبیه شاعران گذشته است؛ تا جایی که مانند شعرای قدیم، معشوقه را به حیوانات بادیه تشبیه می‌کند و دردهای عاشقانه خود را با باد یا کاروان به‌سوی معشوقه روانه می‌کند و از همه سراغ او را می‌گیرد و گذشته‌ها را به یاد می‌آورد (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۴۹۳). سبک این اشعار، خیال‌انگیز است و عنصر خیال در آن پررنگ جلوه می‌کند (عمران، ۲۰۰۰: ۳۲۱). ماجراهای عاشقانه این اشعار واقعی نیستند و خیالات و ذهنیات هنرمندانه شریف رضی را بیان می‌کند؛ که مولود دنیایی مجازی و شاعرانه است (دشتی، ۱۳۸۶: ۱۶۴). همانطور که گفته شد، در حجازیات، عفاف و حرمت مهم‌ترین ویژگی است و بیانگر شخصیت پرهیزگار و عاشق او در سرزمین حجاز می‌باشد.

۴- نتایج و داده‌ها:

VAR (ن. ف. ص) در هاشمیات کمیت اسدی:

تعداد افعال: ۸۰۶

تعداد صفحات: ۳۳۰

$$\frac{806}{330} = 2.44$$

VAR (ن. ف. ص) در حجازیات شریف رضی:

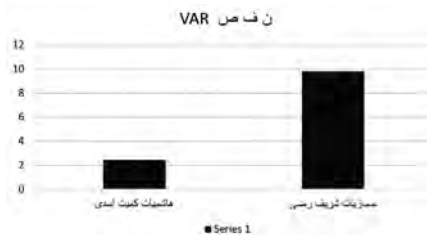
تعداد افعال: ۹۷۴

تعداد صفحات: ۹۹

$$\frac{974}{99} = 9.83$$

برای درک بهتر و مقایسه ارزش VAR (ن. ف. ص) در اشعار این دو شاعر، به رسم نمودار می‌پردازیم.

۴-۱ نسبت فعل به صفت (VAR)



همان‌گونه که ملاحظه نمودیم، ارزش VAR (ن. ف. ص) در حجازیات، چندین برابر هاشمیات است و بر ادبی بودن سبک حجازیات از منظر احساس و عاطفه دلالت دارد؛ البته جای دارد چند نمونه از نظرات دانشمندان در خصوص شعر و احساس این دو شاعر را بیان کنیم تا با توجه به نتایج معادله، ذوقی و کلی‌گویی آنها مشاهده شود. به عنوان مثال در خصوص شریف رضی گفته شده است که با وجود شعرای بزرگ، وی شگفت‌ترین افراد زمان بود (الثعالبی، ۱۹۷۳: ۱۳۱/۳)؛ یا او را در زمره بهترین شعرای قریش (الخطیب البغدادی، ۱۳۴۹: ۲/۲۴۶) و طالبیان دانستند (غربال، ۱۹۸۷: ۱۰۸۳). زکی مبارک با اطمینان او را در حکمت، از متنبی برتر می‌داند (مبارک، د.ت: ۲۴/۱) و باور دارد او بزرگ‌ترین شاعر عراق و زبان عربی است (همان: ۱/۱۵، ۲۱). فرزدق درباره کمیت می‌گوید: به خدا سوگند تو شاعرترین گذشتگان و معاصران هستی (المسعودی، ۱۳۶۳: ۳/۲۲۹). معاذ بن مسلم هژاء، شاعر و ادیب و از بنیانگذاران علم صرف، از کمیت در کنار شاعران نام‌آوری چون امرؤ القیس، زهیر، عبید بن ابرص، فرزدق، راعی و اخطل کبیر نام می‌برد و او را از همه آنها نیز برتر می‌داند (عبدالعظیم زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۶).

از این دست تعابیر و احکام مطرح شده درباره این دو شاعر و همچنین دیگر سرایندگان، در جای جای میراث نقدی و تاریخی و در کتب و مقالات، فراوان دیده می‌شود که تنها به ذکر چند نمونه بسنده کردیم. این دسته از احکام، کلی‌گویی است و در حقیقت مزیت این پژوهش، برخورداری از پشتوانه علمی و روشمند است. در ادامه به بررسی عوامل مؤثر در کاهش و افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص)، در این دو متن شعری پرداخته می‌شود:

۵- عوامل مؤثر بر ارزش VAR (ن. ف. ص)، هاشمیات و حجازیات:

سعد مصلوح، عوامل کاهش یا افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۵-۱ عواملی که به ساختار و شکل Form مربوط می‌شود، عبارت است از:

الف) سخن شفاهی، ارزش VAR (ن. ف. ص) بیشتری، به نسبت سخن مکتوب دارد.
ب) متن‌های مکتوب با لهجه‌های محلی، ارزش VAR (ن. ف. ص) بیشتری، در مقایسه با متون فصیح دارند.

ج) شعر، ارزش VAR (ن. ف. ص) بیشتری نسبت به نثر دارد (مصلوح، ۱۹۹۲: ۸۰).

د) متن‌های ادبی با لحن گفتگو و دیالوگ، ارزش VAR (ن. ف. ص) بیشتری، نسبت به متون روایی یا مونولوگ دارند. همچنین در حدیث نفس و خودگویی، این ارزش از بقیه بیشتر است (همان: ۸۱).

البته عوامل دیگری را نیز می‌توان افزود:

- نوع شعر نیز بر کاهش یا افزایش این ارزش، اثرگذار است. شعر غنایی، تعلیمی، حماسی یا ... در این خصوص متفاوت هستند. به عنوان نمونه شعر غنایی، ارزش VAR (ن.ف.ص) بیشتری، نسبت به سایر انواع شعر و به ویژه نوع تعلیمی دارد.

- قالب شعری نیز از عوامل مؤثر است. شعر کلاسیک به دلیل رعایت وزن و قافیه و نزدیکی بیشتر به زبان شعر، از ارزش VAR (ن.ف.ص) بیشتری برخوردار است. این مسأله، فقط ادعا نیست؛ زیرا قافیه در ادبی بودن متن، تاثیر به‌سزایی دارد. شفیع کدکنی معتقد است که ایجاد فضای موسیقایی با فعل، همسویی دارد؛ تا جایی که، بسامد کاربرد افعال در قافیه‌ها بسیار بالا می‌باشد (شفیع کدکنی، ۱۳۹۱: ۷۶) و همین مسأله در افزایش کاربرد فعل و ارزش VAR (ن.ف.ص) در شعرهای با قافیه، اثرگذار است.

- نثر مسجع و آمیخته با شعر، از جمله مقامات، ارزش VAR (ن.ف.ص) بیشتری، نسبت به نثر مرسل و ساده دارد.

- کاربرد بیشتر فنون بیانی و آرایه‌های لفظی و معنوی، متن را به سبک ادبی نزدیک‌تر می‌کند و بر افزایش ارزش VAR (ن.ف.ص) متون ادبی، نسبت به متون علمی تأثیرگذار است.

۲-۵ عوامل مؤثری که به مضمون content مربوط است عبارتند از:

الف) عمر («Age»): مصلوح، باور دارد که اشعار دوران کودکی و جوانی ارزش VAR (ن.ف.ص) بیشتری، نسبت به اشعار دوران کهنسالی دارند.

ب) جنسیت («Sex»): ارزش VAR (ن.ف.ص) در زنان بیشتر از مردان است (همو، ص ۸۲).

در این حوزه نیز می‌توان از عوامل مؤثر دیگری نام برد:

- محیط شعری: محیط اجتماعی و سیاسی نیز در کاهش و افزایش این ارزش مؤثر است. به عنوان نمونه، فضایی که خیال‌انگیز و همراه با عشق و احساس است، باعث تأثیر در مؤلف و افزایش ارزش VAR (ن.ف.ص) می‌شود. برعکس محیط اجتماعی با رویکرد احتجاجی و مجادله که همراه با درک عقلی است، در کاهش ارزش VAR (ن.ف.ص) اثرگذار خواهد بود.

شایان ذکر است که موارد مذکور، اصول کلی و غالب هستند و گاهی ممکن است نتیجه‌ای مخالف ببینیم. در پژوهش‌های سابق نیز گاهی این مورد مشاهده شده است که شایسته است دلیل آن را در عوامل دیگر جستجو کرد.

این عوامل برای هر دو اثر به خاطر داشتن زبانی شعری، فصیح و مکتوب یکسان است. از طرف دیگر هر دو شاعر «مرد» هستند و مسأله جنسیت نیز از دایره بررسی ما خارج می‌شود؛ لذا عوامل دیگری در نتیجه‌گیری مؤثر بوده است که عبارتند از:

الف) سن:

عمر «Age» بر سبک شعری این دو شاعر اثر گذاشته است. همان‌گونه که مشاهده کردیم، هاشمیات با ارزش VAR (ن. ف. ص) (۲/۴۴) ادبی بودن کمتری نسبت به حجازیات با ارزش VAR (ن. ف. ص) (۹/۸۳) دارد. به نظر می‌رسد یکی از دلایل کم شدن این ارزش اشعار کمیت، کهولت سن او است.

اکثر هاشمیات در بازه زمانی بین ۱۰۵ و ۱۲۰ ه. ق سروده شده است (ضیف، بلاتا: ۲۷۰)؛ یعنی اکثر آنها را از حدود ۴۵ سالگی به بعد سروده است. همچنین هوروفتر، ناشر هاشمیات و شرح حال نویس، معتقد است که قدیمی‌ترین این قصیده‌ها، هاشمیه دوم است که در بین ۹۶ تا ۹۹ ه. ق، هاشمیه سوم نیز نزدیک همان زمان، هاشمیه اول قبل از ۱۰۵ ه. ق، هاشمیه چهارم حدود ۱۱۸ ه. ق، هاشمیه نهم، دهم و یازدهم نیز قبل از ۱۲۲ ه. ق و قصیده هاشمیه ششم حدود ۱۲۵ و ۱۲۶ ه. ق سروده شده است (العطوی، ۱۹۹۸: ۲۰۵). بنابراین حجم زیادی از هاشمیات را در دوران میانسالی و کهنسالی سروده و به نظر می‌رسد همین امر موجب کاستن ارزش VAR (ن. ف. ص) در شعرش است. شریفرضی سرودن شعر را در پانزده سالگی آغاز کرد (فروخ، ۱۹۸۱: ۵۹/۳)؛ در حالی که ثعالبی زمان آغاز سرایندگی او را ده سالگی ذکر می‌کند (الخطیب البغدادی، ۱۳۴۹: ۱۳۱/۳). او عمر طولانی نداشت و در چهل و هفت سالگی چشم از جهان فرو بست. کمیت نیز اکثر اشعار هاشمیات را در پایان عمر سروده است. یکی از عوامل مؤثر در پایین آمدن ارزش VAR (ن. ف. ص) هاشمیات را می‌توان همین کهولت سن کمیت نسبت به رضی در زمان سرودن اشعارش دانست.

ب) موضوع اشعار:

موضوع آنها، مسأله مهم دیگری که در کاهش ارزش VAR (ن. ف. ص) در هاشمیات و افزایش آن در حجازیات اثرگذار است. هاشمیات نوعی از شعر سیاسی توأم با مدح، هجو و مسائل عقلی بوده است و حجازیات، غزل‌های عاشقانه خیال‌انگیز و احساسی است و همین مسأله بر ارزش VAR (ن. ف. ص) هر دو شعر، مؤثر است. در حقیقت، یکی از بارزترین خصوصیات کمیت، شعر مکتبی او است. هاشمیات به بیان عقاید و دفاع

از ائمه و همچنين ولايت و مبارزه با ستمگران پرداخته و سرشار از عقايد مكتبي و شيعي است (فواديان و محمدي، ۱۳۹۰: ۱۰۷) و هر قصيده‌ا، محكمه‌اي است كه دشمنان اهل بيت عليهم السلام را تا قيامت رسوا مي‌كند (عبدالعظيم زاده، ۱۳۸۱: ۱۲۷). در ادامه به ذكر چند بيت از اين اشعار در مدح بنی هاشم و اهل بيت عليهم السلام مي‌پردازيم:

بَلْ هَوَايَ الَّذِي أُجِنُّ وَأُبْدِي لِبَنِي هَاشِمٍ فُرُوعَ الْأَنْبَاءِ
لِلْفَرِيِّبِينَ مِنْ نَدَىِّ وَالْبَعِيدِ نَنْ مِنَ الْجَوْرِ فِي عُرَى الْأَحْكَامِ
وَالْمُصِيبِينَ بَابَ مَا أَخْطَأَ النَّاسُ سُوِّ وَمُرْسِي فَوَاعِدِ الْإِسْلَامِ

(القيسي، ۱۹۸۶: ۱۲)

او در اشعارش با برهان و مجادله تلاش مي‌كند تا مخاطب را براي قيام به خاطر بريابي حكومت عادلانه قانع كند (زراقط، ۲۰۰۶: ۱۲۷) و در راستاي نظريه خلافت بنی هاشم، شعر را از ميدان عاطفه به ميدان تفكر و انديشه، سوق مي‌دهد (ضيف، بلاتا: ۲۷۶). او به هجو بنی اميه مي‌پردازد و ايشان را غاصبين حق خلافت ائمه عليهم السلام، معرفی مي‌كند. چند بيت از اين اشعار به عنوان نمونه ذكر مي‌شود:

وَقَالُوا وَرَثَاتَنَا وَأُمَّنَا وَمَا وَرَثَتُهُمْ ذَاكَ أُمَّمٌ وَلَا أَبُ
يَرُونَ لَهُمْ حَقًّا عَلَى النَّاسِ وَاجِبًا سَفَاهَا وَحَقُّ الْهَاشِمِيِّينَ أَوْجِبُ
وَلَكِنْ مَوَارِيثُ ابْنِ أَمْنَةَ الَّذِي بِهِ دَانَ شَرْقِيٌّ لَكُمْ وَمَغْرِبُ

(القيسي، ۱۹۸۶: ۵۹).

حال آنكه حجازيات، نوعي از غزل است كه در موسم حج يا به ياد آن سروده شده است. ماجراهاي عاشقانه و عفيف حجازيات بهره‌اي از واقعيت خارجي ندارند و همه ذهنيات رضی و مولود دنيايي خيالي و مجازی است كه در قالب شعر بيان مي‌شود و براي اين ادعا دو دليل وجود دارد: ۱. ذات پاك شريف رضی ۲. فضاي مقدس حج كه حتى برخي امور مباح در آن حرام است (دشتي، ۱۳۸۶: ۱۶۴). چند بيت از اين اشعار به عنوان نمونه ذكر مي‌شود:

وَطَبِيَّةٍ مِنْ طِبَاءِ الْإِنْسِ عَاطِلَةٍ تَسْتَوْقِفُ الْعَيْنَ بَيْنَ الْحَمِصِ وَالْهَضَمِ
لَوْ أَنَّهَا بِنَاءِ الْبَيْتِ سَانِحَةٌ لَصِدَّتْهَا وَابْتَدَعَتْ الصَّيْدَ فِي الْحَرَمِ
قَدِرْتُ مِنْهَا بِلا رُقْبِي وَلَا حَذِرُ عَلَى الَّذِي نَامَ عَنِ لَيْلِي وَلَمْ أَنْمِ
وَأَمَسَتْ الرِّيحُ كَالْغَيْرِي تُجَاذِبُنَا عَلَى الْكَثِيبِ فُضُولَ الرِّيطِ وَاللِّمَمِ^۳

(الشريف الرضي، ۱۹۶۱: ۲/۲۷۴)

حجازيات سرشار از عشق و حديث دل است و عنصر خيال در آن قوي مي‌باشد.

همین مسأله نیز می‌تواند در افزایش سطح احساس در آن تأثیرگذار باشد و افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) نشانه‌ای بر آن است. در تأیید این ادعا، هزار بیت دیگر از اشعار شریف رضی را که در موضوعات دیگر، بررسی کردیم و این ارزش VAR (ن. ف. ص) تا عدد (۷,۵۴) کاهش یافت؛ البته اشعار دیگری از کمیت وجود ندارد که بتوان این مسأله را در آن اشعار نیز بررسی کرد.

ج) محیط اجتماعی:

شاعر، فرزند محیط اجتماعی خویش است و قضایای آن در روحیه و به تبع آن، در شعرش اثر می‌گذارد. این عامل نیز در شعر هر دو شاعر اثر گذاشته است. محیط حج و دیدارهای عاشقانه عقیف، خیال انگیز و محیط سیاسی عصر اموی باعث افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) در حجازیات و کاهش آن در هاشمیات شده است. محیط مجادله و درگیری‌های فکری و سیاسی، از بارزترین ویژگی‌های عصر اموی بود و شعر شیعی در این دوره نمونه بارز این نوع درگیری‌های فکری و سیاسی است؛ چرا که سرشار از احتجاج و اثبات حق ائمه علیهم السلام می‌باشد (العززی، ۲۰۱۸: ۶۷۱). حتی اشعار مدحی در این دوره، به نسبت مسأله خلافت، تبدیل به شعر سیاسی و مذهبی شد که آن را با سند و دلیل و حجت فقهی و دینی می‌سرودند (الهدارة، ۱۹۶۳: ۳۷۸). اعتقاد شیعیان بر حق خلافت اهل بیت علیهم السلام، جدل و احتجاج را بین علویان و دشمنانشان به راه انداخت و این فعالیت سیاسی به اشعار آنها نیز رسوخ کرد (الشایب، ۱۹۷۶: ۲۳۳). کمیت را در شعر، مبدع احتجاج سیاسی می‌دانند و حتی گفته شده که وی اولین کسی است که شیعه را به احتجاج راهنمایی کرد (ضیف، بلاتا: ۲۹۱).

فضای سیاسی آن دوره، هاشمیات را به سمت شعر سیاسی که تعقل و اندیشه بر آن حاکم است هدایت کرد و همین منطق، احتجاج و تعقل در کاهش سطح احساس در هاشمیات اثر گذاشته است. در ادامه چند بیت از هاشمیات که بیانگر محیط اجتماعی و سیاسی اختناق آن دوره است را ذکر می‌کنیم:

لنَا رَاعِيَا سَوِّ مَضِيْعَانِ مِنْهُمَا	أَبُو جَعْدَةَ الْعَادِي وَعَرَفَاءُ جِيَالٌ
فَتَلِكْ وَلَاهُ السَّوِّ قَدْ طَالَ مَلَكُهُمْ	فَحَتَّامٌ حَتَّامٌ الْعَنَاءُ الْمَطْوَلُ
هُوَ الْأَضْبَطُ الْهَوَّاسُ فِينَا شَجَاعَةٌ	وَفِيْمَنْ يُعَادِيهِ الْهَجْفُ الْمُثَقَّلُ ^۲

(القبیسی، ۱۹۸۶: ۱۶۰-۱۵۹ و ۱۵۵)

بدین ترتیب او از حاکمان ستمگر و فضای خفقان‌آور شکایت کرده و مردم را به نابودی حکومت ایشان دعوت می‌کند.

حال آنکه شریف رضی بانوانی را می‌بیند که از سرزمین‌های گوناگون برای حج آمدند و لباس‌هایشان تا روی زمین کشیده می‌شود، به دور کعبه طواف می‌کنند و در رمی جمرات با سر انگشتان سنگ‌ریزه‌ها را پرتاب می‌کنند. مشاهده این مناظر باعث سرودن اشعاری می‌شود (أبوعلیوی، بلاتا: ۷۳). اگرچه موسم حج فقط چند هفته طول می‌کشد و این فرصت برای سرودن اشعار کافی نیست و شریف رضی از این بابت اندوهگین است؛ اما او پس از موسم حج نیز به سرودن اشعار و یاد و خاطره آن می‌پردازد (همان: ۴۵۶). این محیط اجتماعی روی او اثر گذاشته و غزلش آکنده از حزن، درد و اشک بر معشوقی است که از وی جدا مانده است و احساساتی لطیف و عفیف در این اشعار دارد (همان: ۴۹۸). چند بیت از حجازیات را برای تبیین محیط شعری آن ذکر می‌کنیم:

يَا لَيْلَةَ السَّفْحِ أَلَا عُدْتِ ثَانِيَةً سَقَى زَمَانَكَ هَطَّالًا مِنَ الدِّيمِ
لَمْ أَقْضِ مِنْكَ لُبَانَاتٍ ظَفِرْتُ بِهَا فَهَلْ لِي الْيَوْمَ إِلَّا زَفْرَةُ النَّدَمِ
رُدُّوا عَلَيَّ لِيَالِيَّ الَّتِي سَلَفَتْ لَمْ أَنْسَهُنَّ وَلَا بِالْعَهْدِ مِنْ قَدَمِ^{هـ}

(الشريف الرضي، ۱۹۶۱: ۲/۲۷۳-۲۷۴)

حجازیات، سرشار از مکان‌ها و زمان‌های عاشقانه است که به دلیل ضیق مجال فقط به ذکر همین نمونه اکتفا می‌شود. محیط متفاوت شعری، منجر به تقویت تفکر و اندیشه در هاشمیات و خیال و احساس در حجازیات شده است که افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) در حجازیات نشانه‌ای از آن است.

از سوی دیگر، نقد ادبی در زمان شریف رضی، به تأثیر خیال در فرایند شعری او اهتمام زیادی داشت تا جایی که گفته می‌شود که نقد شعر در نظر اکثر ناقدان قرن چهارم ه. ق، به خیال می‌پردازد (عمران، ۲۰۰۰: ۳۲۵). بنابراین محیط و فضای ادبی آن دوره، او را به سمت اشعاری پر احساس و خیال‌انگیز سوق داده است؛ چرا که نقد ادبی بهترین راهنما و مرشد برای ادیب است (عرب، خنیفی‌زاده، ۱۴۳۷: ۶۲۱). حال که در این دوره فضای نقد ادبی به عنصر احساس و خیال توجه بسیاری دارد. بنابراین شریف رضی نیز به این سمت و سوی رفته و این عنصر در اشعارش قوی‌تر شده است که اثر آن را می‌توان در ارزش VAR (ن. ف. ص) مشاهده کرد.

د) سبک شعری

عامل مؤثر دیگر در ارزش VAR (ن. ف. ص) هر دو شاعر، سبک شعری متفاوت آنهاست. کمیت، سبک خطابه و فنون مناظره را در اشعار خویش ادامه داد و در آن

از شیوه متکلمین و معتزله استفاده کرد و در تمام این موارد بر عقل، استشهاد و برهان تکیه کرد (القطاوی، ۲۰۰۸: ۸۷). در آن زمان هر حزبی تلاش می کرد تا عقاید خویش را بر دیگر احزاب برتری بخشد. در همین راستا، کمیت با سرودن هاشمیات به تبیین عقاید خویش در دفاع از حق اهل بیت علیه السلام پرداخت و همین امر سبب شد که او سبک خطابی و احتجاجی را برگزیند. البته ارتباط وی با معتزله و به ویژه واصل بن عطاء (۱۳۱ ه. ق)، در سبک شعری او اثر گذاشته است و آن را احتجاجی و جدلی ساخته است (سعدونی، ۲۰۱۶: ۱۵۳). او نخستین کسی است که با شعر، بر صحت مذهب شیعه احتجاج کرد و حجت و براهین را بیان کرد (امین، بلاتا: ۳/۳۰۷). در ادامه چند بیت از این اشعار که روح احتجاجی و خطابی بر آن غلبه دارد، ذکر می شود:

فَقُلْ لِلَّذِي فِي ظِلِّ عَمِيَاءَ جَوْنَةٍ يَرِي الْجَوْرَ عَدْلًا أَيْنَ لَا أَيْنَ تَذَهَبُ
بِأَيِّ كِتَابٍ أَمْ بِأَيَّةِ سُنَّةٍ تَرَى حُبَّهُمْ عَارًا عَلَيَّ وَتَحْسَبُ
أَسْلَمَ مَا تَأْتِي بِهِ مِنْ عَدَاوَةٍ وَبُعْضَ لَهْمٍ لَأَجِيرَ بَلْ هُوَ أَشْجَبُ

(القیسی، ۱۹۸۶: ۴۹).

هدف هاشمیات، متقاعد و قانع کردن مخاطب برای پذیرش سخن و اثرگذاری در او است و در هر نوع کلام و با این هدف، احتجاج حضور پررنگی دارد. به این ترتیب هاشمیات، فقط بیان احساس نیست، بلکه بیانگر فکر و اندیشه است و با هرچه که از مجادله و اقناع به آن مربوط می شود، همراه است (الحسین، ۱۹۹۸: ۸۴). این شعر چنان کوبنده و واقع گراست که آن را به سخنرانی شبیه کردند؛ تا جایی که جاحظ کمیت را خطیب شاعر می داند (جاحظ، ۱۹۶۲: ۵۲/۱). او در هاشمیات، روش عقلی و استدلالی معتزله را برگزیده است و گرایش تقریری، بر آن غلبه دارد (حمدان، ۱۴۰۳: ۹۰). برهان و حجت، مجال خرد و اندیشه است و کمتر با احساسات و هیجانات عاطفی سر و کار دارد و نمود و جلوه آن در افعال بیشتر است. همین سبک خطابی، احتجاجی و جدلی او، باعث شده که وی در اشعارش کمتر از افعال استفاده شده است و یکی از عوامل کاهش ارزش VAR (ن. ف. ص) در اشعار او به شمار می رود. ولی شریف رضی، حجازیات را با سبکی غنایی سرود (الفاخوری، ۱۹۸۶: ۸۳۷) و بر شعر غنایی، احساس و عاطفه چیره است (ناصری، ۱۹۶۶: ۱۲). لذت، شادی، اندوه های شخصی و ناامیدی، محتوای شعر غنایی را تشکیل می دهد. بنابراین حجازیات، بیانگر عواطف و احساسات شخصی شریف رضی و آینه آلام و لذات او است. در ادامه چند بیت از حجازیات که بیانگر اندوه و احساس شخصی است ذکر می شود:

أَهْ مِنْ جِيدِ إِلَى الدَّارِ كَثِيرِ اللَّفَاتِ
 وَغَرَامِ غَيْرِ مَاضٍ بِلِقَاءِ غَيْرَاتِ
 فَسَقَى بَطْنَ مَيِّ وَالحَيْفِ صَوْبَ الغَادِيَاتِ
 فِي لَيْالٍ كَاللَّيْلِ بِالعَوَانِي مُقِمَرَاتِ^۲
 (الشريف الرضي، ۱۹۶۱: ۱/۲۱۸)

این نوع شعر مجال احساس و عاطفه است که براساس معادله بوزیان، ارتباط بیشتری با افعال دارد. بنابراین طبیعی است که همین سبک شعر غنایی و وجدانی شریف رضی، منجر به افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) حجازیات شده است.

۶. نتیجه:

نتایج این پژوهش نشان داد که با استفاده از معادله بوزیان می توان میزان احساس را در سبک شعری این دو شاعر شناخت. با به کارگیری این شیوه نقدی، سطح احساس این دو اثر را شناخته و آنها را با یکدیگر مقایسه کردیم و مشخص شد که حجازیات شریف رضی، احساس و عاطفه بسیار بیشتری نسبت به هاشمیات کمیت اسدی دارد و از همین رو سبکش ادبی است. در سبک شعری این دو شاهکار ادبی، عواملی منجر به کاهش و افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) شده که بر میزان احساس ایشان دلالت می کند. این عوامل عبارت است از:

۱- یکی از عوامل کاهش سطح احساس در هاشمیات کمیت، کهولت سن وی در آن زمان، نسبت به شریف رضی است. در حقیقت اشعار دوران کودکی و جوانی، ارزش VAR (ن. ف. ص) بیشتری نسبت به اشعار دوران کهنسالی دارند.

۲- موضوع سیاسی هاشمیات که جایگاه تفکر و اندیشه است، سبب کاهش ارزش VAR (ن. ف. ص)، نسبت به حجازیات شده است که موضوع آن غزل های عاشقانه خیالی و جایگاه احساس و عاطفه است.

۳- محیط سیاسی و اجتماعی عصر اموی، شعر شاعران شیعه و هاشمیات را به سوی سیاست و جدل سوق داد. تأثیر دیدارهای خیالی عاشقانه و فضای نقد ادبی آن دوره که به عنصر عاطفه و خیال اهتمام زیادی دارد، سبب کاهش ارزش VAR (ن. ف. ص) هاشمیات، نسبت به حجازیات شده است.

۴- سبک خطابی و احتجاجی هاشمیات، با تعقل و اندیشه ارتباط بیشتری دارد و در کاهش ارزش VAR (ن. ف. ص) نسبت به حجازیات مؤثر بوده است. حال آنکه شریف رضی در سرودن حجازیات، سبک غنایی را در پیش گرفته است که احساس و عاطفه در آن حضور پررنگی دارد و سبب افزایش ارزش VAR (ن. ف. ص) در آن شده است.

در نهایت شایان ذکر است که این پژوهش فقط یکی از جنبه‌های ادبی این دو شاهکار ادبی را سنجیده است و زمینه بررسی ادبی آنها بر اساس پدیده‌های زبانی، برای دیگر پژوهشگران مهیا می‌باشد.

۷. منابع و مآخذ:

- ۱- ابن خلکان، أحمد بن محمد أبي بكر، بلاتا، وفيات الأعيان، القاهرة: مطبعة دار الثقافة.
- ۲- ابن سلام، أبو عبد الله محمد، ۱۹۷۴ م، طبقات فحول الشعراء، تحقيق محمد محمود شاكر، مطبعة المدني.
- ۳- أبو عليوي، حسن محمود، د.ت، الشريف الرضي دراسة في عصره وأدبه، لبنان: بيروت.
- ۴- الأصبهاني، الأغاني، ۲۰۰۲ م، تحقيق قصي الحسين، بيروت: منشورات دار و مكتبة الهلال.
- ۵- أمين، أحمد، بلاتا، ضحى الاسلام، تقديم و تعليق احمد السيد سيد احمد على، المكتبة التوفيقية.
- ۶- امينى، محمد هادي، ۱۳۶۶ ش، الشريف الرضي محمد بن الحسين بن موسى الموسوي، تهران: موسسه نهج البلاغه.
- ۷- الثعالبي، عبد الملك، ۱۹۷۳ م، يتيمة الدهر في محاسن أهل العصر، ط ۲، بيروت: دار الفكر.
- ۸- الجاحظ، أبو عثمان عمر بن بحر، ۱۹۶۲ م، البيان والتبيين، ج ۱، شارح حسن السندوبى، القاهرة: لجنة التأليف والنشر.
- ۹- الجاحظ، أبو عثمان عمرو بن بحر، ۱۹۶۸ م، الحيوان، تحقيق فوزى عطوى، ط ۱، دمشق: مكتبة محمد حسين النورى.
- ۱۰- الجرجاني، عبد القاهر، ۲۰۰۴ م، دلائل الاعجاز، تحقيق محمود شاكر، ط ۵، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- ۱۱- الجنان، مأمون بن يحيى الدين، ۱۹۹۴ م، الكميته بن زيد الأسدي، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ۱۲- الحسين، قصي، ۱۹۹۸ م، تاريخ الادب العربي العصر الأموي، بيروت: مكتبة الهلال.
- ۱۳- حمدان، عبدالرحمن أحمد، ۱۴۰۳ ق، هاشميات الكميته، القاهرة: نشرية كلية اللغة العربية.
- ۱۴- الخطيب البغدادي، أبو بكر أحمد بن علي، ۱۳۴۹ ق، تاريخ بغداد أو مدينة السلام، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- ۱۵- دشتي، محمد، ۱۳۸۶ ش، «حجازيات در ديوان شريف رضى»، مجله ادبيات فارسى دانشگاه آزاد مشهد، ۱۳۸۶ ش، شماره ۱۴، صص ۱۷۹-۱۶۲.
- ۱۶- زراقت، عبد المجيد، ۲۰۰۶ م، «هاشميات الكميته بن زيد الاسدى: الحافز الحق للثورتين السياسية الاجتماعية والأدبية»، مجلة المنهاج، ۲۰۰۶ م، العدد الثاني، صص ۲۴۲-۲۶۰.
- ۱۷- السامرايى، فاضل صالح، ۱۴۲۰ ق، معانى النحو، عمان: دار الفكر.
- ۱۸- سزكين، فؤاد، ۱۴۱۲ ق، تاريخ التراث العربي، ط ۲، قم: نشر مكتبة آية الله العظمي المرعشي النجفي العامة.
- ۱۹- سعدوني، العايش، ۲۰۱۶ م، «المنطق الحجاجي والحجاج المنطقي في هاشميات الكميته بن زيد الأسدي»، مجلة الحويليات، جامعة قالة للعلوم الاجتماعية والإنسانية، العدد ۱۷، صص ۱۴۸-۱۳۱.
- ۲۰- السقيلي، أساء، ۲۰۰۵ م، المنهج الأسلوبى دراسة موجزة، موقع رابطة رواء للأدب الإسلامى ولغة القرآن: www.rouwaa.com

- ٢١- سلوم، داود، ١٩٦٩ م، شعر كميت بن زيد الأسدی، بغداد: مكتبة الأندلس.
- ٢٢- الشايب، احمد، ١٩٧٦ م، تاريخ الشعر السياسي إلى منتصف القرن الثاني، ط ٥، بيروت: دار القلم.
- ٢٣- الشريف الرضى، ١٩٦١ م، ديوان الشريف الرضى، بيروت: دار صادر.
- ٢٤- شفيعى كدكنى، محمدرضا، ١٣٩١ ش، رستاخيز كلمات، ج ٣، تهران: انتشارات سخن.
- ٢٥- شيبانيان، مريم، ١٣٩٧ ش، «مطالعه مفهوم ادبى در نظريه معنا سبك شناسى»، فصل نامه علمى پژوهشى نقد ادبى، ١٣٩٧ ش، سال ١١، شماره ٤١، صص ٧-٣٢.
- ٢٦- الشيبى، مصطفى كامل، ١٩٨٥ م، الشريف الرضى دراسات في ذاكره الاقيه، ط ١.
- ٢٧- ضيف، شوقى، بلاتا، التطور والتجديد فى الشعر الاموى، ط ٨، مصر: دار المعارف.
- ٢٨- عباس زاده، حميد، ١٣٩٨ ش، «پژواک وحى در چكامه هاي ولايى كميت بن زيد اسدي»، نشریه آموزه هاي قرآنى، پاييز و زمستان ١٣٩٨، دوره ١٦، شماره ٣٠، صص ١٣١-١٥٤.
- ٢٩- عبد العظیم زاده، محمد، ١٣٨١ ش، آيينه پژوهش، دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، شماره ٧٧-٧٨.
- ٣٠- عرب، عباس وأحمد خنيفي زاده، ١٤٣٧ ق، «الرومانسية وأشراطها في شعر الشريف الرضى»، مجلة اللغة العربية وآدابها، شتاء ١٤٣٧، السنة ١١، العدد ٤، صص ٦١٥-٦٣٣.
- ٣١- عزام، محمد م، تحليل الخطاب الأدبي على ضوء المناهج الحديثة، ط ١، دمشق: منشورات اتحاد كتاب العرب.
- ٣٢- العطوى، على نجيب، ١٩٨٨ م، كميت بن زيد الاسدى بين العقيدة والسياسة، بيروت: دار الأضواء.
- ٣٣- عمران، عبد اللطيف، ٢٠٠٠ م، شعر الشريف الرضى و منطلقاته الفكرية، دمشق: دار الينابيع.
- ٣٤- العنزى، منى بنت غري، ٢٠١٨ م، «الحجاج فى الشعر السياسى فى العصر الأموى»، حولىة كلية الدراسات الإسلامية والعربية للبنات بالإسكندرية، ٢٠١٨ م، العدد ٣٤، المجلد ٣، صص: ٦٦٧-٧٣٤.
- ٣٥- غربال، محمد شفيق، ١٩٨٧ م، الموسوعة الميسرة، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
- ٣٦- الفاخوري، حنا، ١٩٨٦ م، الجامع فى تاريخ الادب العربى، ط ١، بيروت: دار الجليل.
- ٣٧- فروخ، عمر، ١٩٨١ م، تأريخ الأدب العربى، ط ٤، بيروت، دار العلم للملايين.
- ٣٨- فواديان، محمد حسن و مجيد محمدى، ١٣٩٠ ش، «ديدگاه هاى سياسى - مذهبى كميت در هاشميات و انديشه ناقدان»، كاوش نامه ادبيات تطبيقى، بهار ١٣٩٠، شماره ١، صص ١٠٣-١٢٨.
- ٣٩- قدامة بن جعفر، بلاتا، نقد الشعر، تحقيق عبدالمنعم الخفاجى، لبنان: دار الكتب العلمية.
- ٤٠- القطاوى، قصار مسلم، ٢٠٠٨ م، هاشميات الكميت دراسة نقدية، ط ١، عمان: دار المامون.
- ٤١- القيروانى، ابن رشيق، ١٩٧٢ م، العمدة فى محاسن الشعر وآدابه ونقده، تحقيق محمد يحيى الدين عبد الحميد، ط ٢، بيروت: دار الجليل.
- ٤٢- القيسى، أبو رياش احمد بن ابراهيم، ١٩٨٦ م، شرح هاشميات الكميت بن زيد الأسدی، بيروت: عالم الكتب.
- ٤٣- مبارك، زكى، دت، عبقرية الشريف الرضى، ط ٢، بيروت: المطبعة المصرية للطباعة والنشر.
- ٤٤- المسعودى، ١٣٦٣ ش، مروج الذهب، قم: دار الهجره.
- ٤٥- مصلوح، سعد، ١٩٩٢ م، الأسلوب دراسة لغوية إحصائية، ط ٣، القاهرة: عالم الكتاب.

- ۴۶- ناصیف، امیل، ۱۹۶۶ م، أروع ما قيل في الوجدانيات، ط ۱، بیروت: دارالجليل.
- ۴۷- هدارة، محمدمصطفى، ۱۹۶۳ م، اتجاهات الشعر العربي في القرن الثاني الهجري، القاهرة: دارالمعارف.
48. Antosh, Friederike, n.d., *The diagnosis of literary style with the verb-adjective ratio, in Statistics and Style*, ed L. Dolezel and R. W. Baily, New York, American Elsevier Publishing Company, INC.
49. Bennet, Tony, 2003, *Formalism and Marxism*, London and New York: Routledge.
50. Molinié, G, 1998, *Sémiostylistique*, Paris: PUF.
51. Simpson, Paul, 1997, *Language Through Literature: An Introduction*, London & New York: Routledge.

۸. پی نوشت‌ها:

۱. ترجمه: بلکه محبتم که آن را پنهان کرده و آشکار می‌سازم برای بنی هاشم برترین مردم است. (محبتم) برای کسانی است که به بخشش نزدیک و در دستاویز احکام از جور و ستم دور هستند. آنها به درستی به درب (حقیقت) راه یافته؛ در حالی که مردم در رسیدن به آن به خطا افتاده‌اند و هم ایشان، پایه‌های اسلام را بنا نهاده و محکم کردند.
۲. ترجمه: امویان گفتند که ما خلافت را از پدر و مادر خود به ارث برده‌ایم؛ در حالی که آن را از پدر و مادری به ارث نبرده‌اند. آنها از روی نادانی برای خود حقی بر ذمه مردم می‌بینند؛ در حالی که حق بنی هاشم واجب‌تر است. ولی خلافت بنی هاشم میراث فرزند آئینه یعنی پیامبر (ص) است که شرق و غرب سرزمین شما، بدهکار و خاضع او هستند.
۳. ترجمه: آهوایی از جنس آدمیزاد که زیوری به خود نیاویخته است و چشم را در میان دره‌ها و دامنه تپه‌ها به خود خیره می‌کند. اگر از آستان خانه خدا می‌گذشت او را صید می‌کردم و به این وسیله شکار در حرم امن الهی را بدعت می‌نهادم. بدون هیچ انتظار و ترسی بر او دست یافتم بر همان کسی که خوابید و من از عشق او خوابم نرفت. باد همچون زنی غیرتمند روی تپه‌ها بر سر کناره ملافه و گیسوان بار ما کشمکش می‌کرد.
۴. ترجمه: ما دو حاکم بد داریم (هشام و خالد بن عبدالله القسری) که ضایع کننده دنیا و آخرت هستند. گرگ متجاوز و کفتار یال بلند. آنها حاکمان بدی هستند و فرمانروایی شان طولانی شده است تا کی؟ تا کی این محنت طولانی ادامه می‌یابد؟ او بر ما چون شیری خشمناک و درنده ولی در برابر دشمنان به سان شتر مرغ پیر و کندرو است.
۵. ترجمه: ای شب سفح (نام تپه‌ای) آیا می‌شود که دوباره تکرار شوی؟ خداوند زمان تو را با ابرهای پر باران دائمی سیراب کند. حاجات دل که به آن دست یافتم را از تو برآورده نکردم و آیا امروز جز سوز و گداز پیشیانی و ندامت چیزی برای من مانده است؟ شبهایی که گذشت را به من بازگردانید که آنها را فراموش نکرده‌ام و نظیری برایش نمی‌شناسم.
۶. ترجمه: به کسی که در سایه مرکب جهالت و نادانی است، بگو ستم را عدل می‌دانی. کجا؟ نه، کجا

میروی؟ براساس کدام کتاب الهی و سنت، محبتم به ایشان را ننگی برای من می‌بینی و محاسبه می‌کنی؟ آیا دشمنی و بغضی که به ایشان داری، صحیح‌تر است؟ که اصلاً حق نیست بلکه این مسأله بدترین خسارت است.

۷. ترجمه: فغان از آن گردنی که به سوی خانه ما بسیار توجه داشت و مایل بود. دریغا از عشق ناتمامی که منجر به وصال نشد و به سرانجام نرسید. اشکهای همچون باران ابرهای پر بار من صحرای منا و خیف را سیراب کرد. افسوس بر آن زمانی که ملامت گران به خواب رفته و از دست سخن چینان امان بود. در شب‌هایی بسان مروارید که همراه زیبارویان ماهرخ بودم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Hashemiyat literature of Komait Asadi and Hejaziyat of Sharif Razi in evaluating the Bozeman equation

Ahmad Omidvar*

Bahman Hadiloo**

Mahdi Davari Dolatabadi***

Abstract

The literature of texts is one of the most controversial issues and scientists and scholars have always sought to introduce its cause. Stylistics has also addressed this issue based on the form and structure of works. In the field of statistical stylistics, a German scientist named Boziman invented an equation for discovering literature, which evaluates the level of literature by comparing the ratio of verbs to adjectives in a text. With this equation and the analytical-statistical method, the present article examines the literature of the Hashemiyat al-kumayt ibn zayd al-Asadi and the Hejaziyat of Sharif Razi and answers the questions: which level of literature is higher and what are the factors affecting it? So far, this issue has not been compared methodically and scientifically, and there is little stylistic research on them. The result of the equation was that the level of "feeling" of the Hejaziyat was several times greater than that of the Hashemiyat. Factors influencing this difference are that: The old age of Komait and Razi's youth in composing these works has increased the value of Hejaziyat compared to Hashemiyat. Also, the subject of Hashemites is political poetry, which is the space of reason, and the subject of Hejaziyat is sonnet, which is the space of feeling, and this issue also shows its effect on the level of their literature. Another factor is that Hashemite social and political environment has led to the adoption of protest style and poetry that deals with reason and Hejaziyat romantic and imaginative environment has led to the adoption of lyrical and imaginative style that is more related to feeling and emotion. Therefore, the factor of environment and poetic style has left its effect in increasing the value of Hejaziyat compared to Hashemiyat.

Key word: Boziman equation, Komait Asadi, Sharif Razi, Hashemiyat, Hejaziat.

*Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and knowledge of the Holy Quran, Qom, Iran (corresponding author): omidvar@quran.ac.ir

** Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and knowledge of the Holy Quran, Qom, Iran : hadilo@quran.ac.ir

*** Assistant Professor of Arabic Language and Literature, University of Science and knowledge of the Holy Quran, Qom, Iran : m.davari@quran.ac.ir